

جنايات و هابيت در طول تاريخ

جنايات وهابيت در طول تاريخ

وهابيت از زمانى كه به وجود آمده است جنايات هولناكى را مرتكب شده كه در تاريخ ثبت شده است، كشتار مردم مسلمان در شهرهاى مختلف، از جمله مكه، مدينه، طائف، نجف و كربلا، آتش زدن مزارع، سقط جنين زنان باردار، آتش زدن كتابخانه هاى مسلمانان، تخریب آثار دينى مسلمين در شهرهاى مختلف، تخریب قبور بزرگان دين و قتل عام در منطق مختلف و... در اين مقاله با توجه به منابع تاريخى برخى از جنايات و غارتها و كشتارهاى وهابيت ذكر شده است.

1. قتل و غارت وهابيان در منطقه نجد:

محمد بن عبد الوهاب با اعلام جهاد عليه مسلمانان به اتهام كفر، شرك و بدعت، اعراب باديه نشين را تحريك كرد و به كمك ابن سعود، لشكرى فراهم ساخت و با حمله به شهرها و روستاهاى مسلمان نشين، مردم را به خاك و خون كشيد و اموال آنان را به عنوان غنايم جنگى غارت نمود[1]. در اين بخش به چند نمونه از كشتار بى رحمانه وهابيت كه در منطقه نجد و اطراف رياض انجام گرفته، اشاره مى كنيم.

الف: كشتار مسلمانان و قطع نخلها و غارت مغازهها:

ابن بشر عثمان بن عبد الله، مورخ آل سعود در باره آغاز دعوت وهابيت در منطقه نجد و كشت و كشتار مردم بى گناه به اتهام شرك مى نويسد:

عبد العزيز همراه با عده اى به قصد جهاد با اهل سرزمين «ثادق» حرکت کرد و آنان را به محاصره درآورد و بخشى از نخلستانهاى آنان را قطع کرد و تعدادى هم از مردان آنان را به قتل رساند[2]. سپس عبد العزيز به قصد جهاد به سمت «خرج» حرکت کرد و در منطقه «دلم» هشت نفر از مردان را به كشت و مغازهها را كه مملو از اموال بود، غارت کرد و آن گاه به سرزمين «تعجان»، «ترمدا»، «دلم» و «خرج» رفت و عده اى را كشت و شتران بسيارى به غنيمت گرفت[3].

ب: به آتش كشيدن محصولات زراعى:

ابن بشر در ادامه مى نويسد:

عبد العزيز به قصد جهاد وارد «منفوحه» شد و محصولات زراعى آنان را به آتش كشيد و بخش عظيمى از جواهرات، گوسفندان و شتران را به غنيمت گرفت و ده نفر را نيز كشت[4].

ج: سقط جنين زنان باردار:

لشكر عبد العزيز شبانگاه وارد منطقه «حرمه» شدند و پس از طلوع فجر به دستور عبد الله پسر عبد العزيز، تيراندازان به صورت دسته جمعى به طرف شهر تيراندازى كردند و صداى مهيب تيرها، شهر را به لرزه درآورد به گونه اى كه بعضى از زنان حامله، سقط كردند و مردم به وحشت افتاده و شهر به محاصره درآمد و مردم شهر، نه توان مقاومت و نه امكان فرار از شهر را داشتند[5].

د: كشته شدن مردم رياض در اثر گرسنگى و تشنگى:

ابن بشر در باره حمله وهابيت به رياض مى نويسد:

ففرّ أهل الرياض في ساقته الرجال والنساء والأطفال لا يلوي أحد على أحد، هربوا على وجوههم إلى البرية في السهباء قاصدين الخروج وذلك في فصل الصيف، فهلك منهم خلق كثير جوعاً وعطشاً[6]؛ أهل رياض، همه مردان، زنان و کودکان با شنیدن حمله لشکر وهابیت از ترس و وحشت، پا به فرار گذاشتند، از آن جایی که این حمله در فصل تابستان بود، جمعیت زیادی در اثر گرسنگی و تشنگی جان سپردند.

ه: کشتار فراریان:

ابن بشر در ادامه می‌گوید:

فلما دخل عبد العزيز الرياض وجدها خالية من أهلها إلا قليلاً فساروا في أثرهم يقتلون ويغنمون. ثم إن عبد العزيز جعل في البيوت ضباطاً يحفظون ما فيها. وحاز جميع ما في البلد من الأموال والسلاح والطعام والأمتاع وغير ذلك وملك بيوتها ونخيلها إلا قليلاً[7]؛ وقتی عبد العزيز وارد رياض شد دید جز اندکی از مردم، کسی در شهر نمانده، فراریان را دنبال کرد و عده‌ای را کشت و اموالی را که با خود داشتند به غنیمت گرفت.

و به شرطه‌ها دستور داد از خانه‌های خالی از صاحبانشان، محافظت کنند و آن‌گاه تمام اموال، اسلحه‌ها، مواد غذایی و وسایل خانه‌ها را به غنیمت گرفت و غالب خانه‌ها و نخلستان‌ها را به تصرف خود درآورد.

و: کشتن مؤذن به جرم درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله :

زینی دحلان مفتی مکه مکرمه می‌نویسد:

ويمنعون من الصلاة عليه صلى الله عليه وسلم على المنابر، بعد الأذان؛ حتى أن رجلاً صالحاً كان أعمى ، وكان موءذناً وصلى على النبي صلى الله عليه وسلم بعد الأذان، بعد أن كان المنع منهم ، فأتوا به إلى ابن عبد الوهاب فأمر به أن يقتل فقتل، ولو تتبعت لك ما كانوا يفعلونه من أمثال ذلك، لمأت الدفاتر والأوراق. وفي هذا القدر كفاية واللّه سبحانه وتعالى أعلم؛ وهابی‌ها از درود فرستان به پیامبر گرامی [صلی‌الله‌علیه‌وآله] بر روی منابر و پس از اذان، ممانعت می‌کردند، مرد صالح نابینایی که اذان می‌گفت و پس از اذان به رسول اکرم [صلی‌الله‌علیه‌وآله] صلوات فرستاد، آن را نزد محمد بن عبد الوهاب آوردند و او دستور داد مؤذن نابینا را به جرم درود بر حضرت، کشتند.

زینی دحلان در ادامه می‌گوید: اگر مانند این کارهای زشت وهابی‌ها را بخواهم بنویسم، دفترها مملو خواهد شد[8]. با این که درود به پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله نص قرآن و دستور الهی است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»[9]. در آیه شریفه هیچ‌گونه قید مکانی و زمانی برای درود به حضرت ذکر نشده یعنی هر وقت و هر کجا می‌شود به پیامبر گرامی درود فرستاد.

2. کشتار بی‌رحمانه شیعیان کربلا:

کشتار وهابیان در کربلا معلی در سال 1216، به راستی صفحه تاریخ را سیاه کرده و قلب هر خواننده را به درد می‌آورد.

دکتر منیر عجلانی می‌نویسد:

دخل اثنا عشر ألف جندي ولم يكن في البلدة، إلا عدد قليل من الرجال المستضعفين لأن رجال كربلاء كانوا قد خرجوا يوم ذاك إلى النجف الأشرف لزيارة قبر الإمام أمير المؤمنين يوم الغدير، فقتل الوهابيون كل من وجدوهم، فقدر عدد الضحايا في يوم واحد بثلاثة آلاف، وأما السلب فكان فوق الوصف ويقال أن مائتي بعير حملت فوق طاقتها بالمنهوبات الثمينة[10]؛ دوازده هزار نفر سپاه وهابیان به فرماندهی سعود، فرزند عبد العزيز وارد کربلا شدند در حالی که بیشتر مردم

کربلا به مناسبت عید غدیر به نجف اشرف به زیارت امیر المؤمنین [علیه السلام] رفته بودند و در شهر جز عده اندکی از پیرها و ناتوانها نمانده بودند. سپاه وهابیان به هر کس که برخوردند، کشتند و آمار کشته‌ها به مرز سه هزار نفر رسید و اموال غارت شده از کربلا قابل وصف نبود و گفته می‌شد که آن روز 200 شتر بار سنگین از کربلا به غارت بردند.

محمد قاری غروی در تاریخ نجف از مجموعه شیخ خضر، نقل می‌کند: وهابیان صندوق قبر حبیب بن مظاهر را که از چوب بود شکستند و سوزاندند و با آن در ایوان طرف قبله حرم، قهوه درست کردند. آنها می‌خواستند صندوق قبر شریف حسین را هم بشکنند، اما چون دارای شبکه‌های آهنین بود، توفیق نیافتند [11]. شیخ عثمان بن بشر مورخ دیگر وهابی که خود اهل نجد بوده می‌نویسد:

گنبد روی قبر (سید الشهداء) را ویران ساختند، و صندوق روی قبر را که زمرد، یاقوت و جواهرات دیگر در آن نشانده بودند، برگرفتند، و آنچه در شهر از مال، سلاح، لباس، فرش، طلا، نقره و قرآن‌های نفیس یافتند غارت کردند و نزدیک ظهر از شهر بیرون رفتند [12]. صلاح الدین مختار که خود وهابی است می‌نویسد:

در سال 1216 امیر سعود با لشکر انبوهی از مردم نجد، عشایر جنوب، حجاز و دیگر نقاط به قصد عراق حرکت کرد. در ماه ذی‌قعدة به کربلا رسید. او تمام برج و باروی شهر را خراب کرد و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار بودند، کشت و نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شد. آن‌گاه خمس اموال غارت شده را خود سعود برداشت و بقیه را به نسبت هر پیاده یک سهم و هر سواره دو سهم، بین لشکریان تقسیم نمود [13]. شیخ عثمان نجدی از مورخان وهابی می‌نویسد:

وهابیان به صورت غافل‌گیرانه وارد کربلا شدند و بسیاری از اهل آنجا را در کوچه و بازار و خانه‌ها کشتند؛ روی قبر حسین علیه السلام را خراب کردند و آن چه در داخل قبه بود به چپاول بردند و هرچه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا و قرآن‌های نفیس یافتند، ربودند. نزدیک ظهر در حالی که قریب به دو هزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند، از شهر خارج شدند [14]. برخی می‌نویسند: «وهابیان در یک شب، بیست هزار نفر را به قتل رساندند» [15]. میرزا ابوطالب اصفهانی در سفرنامه خود می‌نویسد:

هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف، دیدم که قریب بیست و پنج هزار نفر وهابی وارد کربلا شدند و شعار «اقتلوا المشرکین واذبحوا الکافرین» [16] سر می‌دادند. آنان بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی‌ها حساب نداشت، صحن مقدس امام حسین علیه السلام از لاشه کشتگان پر و خون از بدن‌های سر بریده شده، روان بود. پس از یازده ماه بار دیگر به کربلا رفتم، دیدم که مردم، آن حادثه دل خراش را نقل می‌کنند و گریه سر می‌دهند به گونه‌ای که از شنیدن آن، موها بر اندام راست می‌شد [17].

3. حمله به نجف اشرف:

حمله وهابی‌ها به عراق از 1214 ه آغاز شد. چون در آن سال وهابی‌ها به نجف اشرف حمله نمودند، ولی عرب خزاعل جلو آنها را گرفتند و سیصد نفر از آنها را کشتند [18]. در سال 1215 نیز گروهی برای انهدام مرقد مطهر حضرت امیر علیه السلام عازم نجف اشرف شدند که در مسیر با عده‌ای از اعراب درگیر شدند و شکست خوردند [19]. در مدت نزدیک به ده سال چندین بار حملات شدیدی به شهر کربلا و نجف انجام دادند [20]. در سال 1216 وهابیان پس از کشتار بی‌رحمانه اهل کربلا و هتک حرمت حرم حسینی علیه السلام با همان لشکر راهی نجف اشرف

شدند، ولی مردم نجف به سبب آگاهی از ماجرای کشتار و غارت کربلا و آمادگی دفاعی به مقابله برخاستند؛ حتی زن‌ها از منزل‌ها بیرون آمدند و مردان خود را تشجیع و تحریک به دفاع کردند تا اسیر کشتار و چپاول وهابی‌ان نشوند، در نتیجه سپاه وهابی‌ها نتوانستند به شهر نجف وارد شوند [21]. در سال 1220 یا 1221 وهابی‌ها به سرکردگی «سعود» به نجف اشرف حمله بردند، ولی چون شهر دارای برج و بارو بود، و در بیرون نیز خندق‌ی شهر را حفاظت می‌کرد، به علاوه جمعی از مردم و طلاب علوم دینی در حدود دویست نفر تحت رهبری شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء) از مراجع اعلم عصر که خود مردی دلیر بود، شبانه روز مشغول دفاع از شهر بودند، کاری از پیش نبردند.

خانه شیخ جعفر کاشف الغطاء انبار اسلحه بود و او بر هر دروازه نجف و در هر برجی جمعی از طلاب و مردم را به دفاع واداشته بود.

شیخ حسین نجف، شیخ خضر شلال، و سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه و شیخ مهدی ملاکتاب از جمله علمای مدافع شهر بودند که از مردان بلند آوازه می‌باشند. قوای سعود در این حمله پانزده هزار وهابی جسور جنگجو بود. وهابی‌ها چندان که سعی کردند نتوانستند وارد شهر شوند، و مدافعان نجف با سرسختی دفاع می‌کردند.

در یکی از روزها برخی از وهابی‌ها از دیوار شهر بالا آمدند و نزدیک بود شهر را اشغال کنند، ولی با دفاع مردانه مدافعان مسلح مواجه شدند، و عقب نشستند. در مدت محاصره نجف چون مدافعان از درون شهر و برج و باروها وهابی‌ها را زیر آتش داشتند، توانستند هفتصد نفر از آن‌ها را به قتل رسانند. سرانجام سعود با بقیه نفراتش ناامید از نجف بازگشت.

اهالی نجف قبل از رسیدن قوای سعود، خزانه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به بغداد و از آنجا به کاظمین منتقل ساختند و در محزن آنجا به ودیعت نهادند، و بدین گونه از دستبرد آن قوم غارتگر وحشی مصون ماند.

ابن بشر مورخ نجدی راجع به حمله سعود به نجف در تاریخ نجد می‌نویسد:

«در سال 1220 سعود با سپاه انبوهی از نجد و نواحی آن در بیرون شهر معروف در عراق (نجف اشرف) فرود آمد، و سپاه مسلمین (وهابی‌ها) را در اطراف شهر پراکنده ساخت، و دستور داد باروی شهر را خراب کنند.

چون یاران او به شهر نزدیک شدند، به خندق‌ی عریض و عمیق برخورد کردند و نتوانستند از آن عبور کنند. در جنگی که میان طرفین روی داد در اثر تیراندازی از روی باروها و برجهای شهر، جمعی از مسلمین (وهابی‌ها) کشته شدند. آن‌ها نیز از شهر عقب نشستند، و به غارت نواحی اطراف پرداختند» [22]. سعود در سال بعد یعنی 1222 نیز بار دیگر با بیست هزار جنگجوی جسور وهابی به نجف اشرف حمله برد، ولی چون دید مدافعان شهر به رهبری کاشف الغطاء با توپ و تفنگ آماده دفاع هستند نجف را رها ساخت، و به شهر «حله» روی آورد [23].

4. تخریب آثار بزرگان در مکه:

وهابیون در سال 1218 پس از مسلط شدن بر مکه تمام آثار بزرگان دین را تخریب نمودند. در «معلی» قبه زادگاه پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را و همچنین قبه زادگاه علی بن ابی طالب علیه‌السلام و حضرت خدیجه و حتی ابوبکر را ویران و باخاک یکسان کردند.

آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم را تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می‌شدند آثار صالحین را نابود می‌کردند و هنگام تخریب طبل می‌زدند و به رقص و آواز خوانی می‌پرداختند [24]. رفاعی یکی از علمای بزرگ اهل سنت کویت خطاب به علمای وهابی

می‌نویسد:

رضیتم ولم تعارضوا هدم بيت السيِّدة خديجة الكبرى أم المؤمنين والحبیبة الأولى لرسول ربِّ العالمین صلی الله علیه وآله، المكان الذي هو مهبط الوحي الأوَّل عليه من ربِّ العزَّة والجلال، وسکتتم على هذا الهدم راضین أن يكون المكان بعد هدمه دورات مياه وبيوت خلاء ومیضات، فأین الخوف من الله؟ وأین الحياء من رسوله الكريم عليه الصلاة والسلام[25]؛ شما به تخریب خانه ام المؤمنین خدیجه کبری اولین حبیبه پیامبر صلی الله علیه وآله رضایت دادید و هیچ عکس العمل نشان ندادید با این که آن مکان محل نزول وحی قرآن بود. و در برابر این جنایت سکوت انتخاب کردید و رضایت دادید که آن مکان مقدس به توالف و دستشویی مبدل شود. پس چرا از خدا نمی ترسید؟ و از پیامبر کریم حیا نمی کنید؟

رفاعی در ادامه می نویسد:

زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را ویران و به محل خرید و فروش حیوانات تبدیل شد که با تلاش افراد صالح و خیر، از چنگال وهابی ها در آمد و به کتابخانه مبدل گردید ... شما وهابیان در این سال های اخیر تصمیم گرفتید نیات شوم خود را از طریق تهدید و انتقام پیاده کنید، تمام تلاش خود را جهت نابودی محل ولادت رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم به کار بستید، حتی از شخصیت ها و علماء بزرگ سعودی مجوز ویران کردن آن مکان مقدس را گرفتید، ولی ملك فهد، عواقب شوم آن را ملاحظه کرد و شما را از این کار ننگین باز داشت. این چه کار بی ادبانه ای است که از شما سر می زند؟!

این چه بی وفایی است که در حق رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم ! روا می دارید در حالی که خداوند به وسیله آن حضرت، ما و شما و اجداد ما را از تاریکی های شرک به سوی نور اسلام هدایت فرمود؟!

بدانید که به هنگام مشاهده رسول گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در کنار حوض، جز بی حیایی نصیب شما نخواهد شد. و به یقین بدانید که نتیجه شقاوت خود را در نابودی آثار پاک آن نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم که موجب رنجش گردیده است، مشاهده خواهید کرد[26]. رفاعی در جای دیگر می نویسد:

آثار قبور صحابه و امهات المؤمنین و آل البيت را نابود کرده و قبر آمنه بنت وهب مادر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را با بنزین به آتش کشیدید و اثری از آنها باقی نگذاشتید حاولتم ولا زلتم تحاولون وجعلتم دأبکم هدم البقعة الباقية من آثار رسول الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم ألا وهي (البقعة الشريفة التي ولد فيها)، التي هُدمت، ثم جعلت سوقاً للبهائم، ثم حولها بالحيلة الصالحون إلى مكتبة هي (مكتبة مكة المكرمة).

فصرتم يرمون المكان بعيون الشرِّ والتهدید والانتقام، وتتربصون به الدوائر وطالبتهم صراحة بهدمه واستعديتهم السلطة وحرصتموها على ذلك بعد اتِّخاذ قرار بذلك من هيئة كبار علمائکم قبل سنوات قليلة (وعندي شريط صريح بذلك) غير أنَّ خادم الحرمين الشريفين الملك فهد العاقل الحكيم العارف بالعواقب تجاهل طلبکم وجمده.

فيا سوء الأدب وقلة الوفاء لهذا النبيِّ الكريم الذي أخرجنا الله به وإياکم والأجداد من الظلمات إلى النور! ويا قلة الحياء منه يوم الورد على حوضه الشريف! ويا بؤس وشقاء فرقة تکره نبیها سواء بالقول أو بالعمل وتحقره وتسعى لمحو آثاره!. [27]

5. آتش زدن کتابخانه های بزرگ:

دردناک ترین چیزی که وهابیت مرتکب شد و آثار قبیح آن برای همیشه باقی است، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبة العربیة» بود که بیش از 60 هزار عنوان کتاب گرانقدر و کم نظیر و بیش از 40 هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت،

یهودیان، کفار قریش و همچنين آثار خطی علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن مجید به خط «عبد الله بن مسعود» وجود داشت.

و نیز در همین کتابخانه انواع سلاح‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بت‌هایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود، مانند «لات»، «عزی»، «مناة» و «هبل» موجود بود. «ناصر السعید» از قول یکی از مورخان نقل می‌کند که هنگام تسلط وهابیان، این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن به آتش کشیده و به خاکستر تبدیل کردند [28].

6. تصرف مدینه منوره:

سعود در سال 1220 یا 1221 در هجوم خود به مدینه پس از يك سال و نیم محاصره سرانجام آن شهر مقدس را متصرف شد. تمام اشیاء گران بهایی که در حرم پیامبر صلی الله علیه و آله بود را غارت نمود. فقط از بیم عموم مسلمین از تعرض به قبر مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله خودداری کردند.

آن‌ها چهار صندوق مملو از جواهرات مرصع به الماس و یاقوت گران‌بها را به غارت بردند. از جمله، چهار شمعدان زمردین بود که به جای شمع، در آن‌ها يك قطعه الماس شب‌نما و درخشنده بود، و حدود يك صد قبضه شمشیر با غلاف‌های مصلّا به طلای خالص و مرصع به الماس و یاقوت با دسته‌هایی از زمرد و یشم که به هیچ‌وجه نمی‌شد آن‌ها را قیمت گذاری کرد (1). در یادار سرتیپ «ایوب صبری» سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی می‌نویسد: سعود بن عبد العزیز، پس از تصرف مدینه منوره، همه اهالی مدینه را در مسجد النبی گرد آورد و درهای مسجد را بست و این‌گونه سخن آغاز نمود: هان ای مردم مدینه! براساس آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» دین و آیین شما امروز به کمال رسید، به نعمت اسلام مشرف شدید، حضرت احدیت از شما راضی و خشنود گردید، دیگر ادیان باطل نیاکان خود را رها کنید و هرگز از آن‌ها به نیکی یاد نکنید، از درود و رحمت فرستادن بر آن‌ها به شدت پرهیز (1) فرقه وهابی و پاسخ به شبهات آن‌ها، مقدمه علی دوانی، ص 40.

(103)

نمایید، زیرا همه آن‌ها به آیین شرك در گذشته‌اند (1).

7. تخریب قبور طائف و مکه:

در سال 1343 وهابی‌ها بار دیگر قبه ابن عباس و دیگر قبور طائف و قبرهای عبدالمطلب، ابوطالب و حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و زادگاه حضرت زهرا علیها السلام و همه شعائر اسلامی مکه را ویران کردند (2).

8. تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام:

در سال 1344، وهابیان پس از اشغال مکه، به مدینه روی آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، آن را اشغال نمودند، قبور ائمه بقیع و دیگر قبور همچون قبر ابراهیم فرزند پیامبر و زنان آن حضرت، قبر ام البنین مادر حضرت عباس، قبه عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله، اسماعیل پسر امام جعفر صادق و قبه همه صحابه و تابعین را بدون استثنا خراب کردند.

ضریح فولادی ائمه بقیع را که در اصفهان ساخته و به مدینه حمل شده بود، از روی قبر حضرت امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام برداشته و بردند. قبور عباس عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد مادر امیر المؤمنین را که با قبور چهار امام همام، در زیر يك قبه بودند نیز ویران کردند (3). هم چنین زادگاه امام حسن و امام حسین در مدینه، قبور شهدای بدر

(1) تاريخ وهابيان، 107، تاريخ الوهابيه، چاپ مصر، ص 126.

(2) مقدمه علامه دوانی بر کتاب فرقه وهابی، ص 55.

(3) مقدمه دوانی بر کتاب فرقه وهابی، ص 56.

(104)

و نیز بیت الاحزانی را که حضرت علی علیه السلام برای حضرت زهرا علیها السلام ساخته بود، ویران کردند [29].

9. قتل عام مردم طایف:

برخی بر این پندارند که وهابیان فقط بلاد شیعه نشین را مورد تاخت و تاز قرار دادند، ولی با نگاهی به عمل کرد آنان در حجاز و شام، روشن خواهد شد که حتی مناطق سنّی نشین نیز از حملات آنان در امان نمانده است.

زینی دحلان مفتی مکه مکرمه می نویسد:

ولمّا ملکوا الطائف فی ذی القعدة سنة 1217 ألف ومائتین وسبعة عشر قتلوا الكبير والصغير والمأمور والامر ولم ینج إلا من طال عمره، وكانوا یذبحون الصغير علی صدر أمّه ونهبوا الأموال وسبوا النساء [30]؛ هنگامی که وهابیان در سال 1217 هجری طایف را به تصرف خود درآوردند، کوچک و بزرگ، رئیس و کارمند، همه و همه را قتل عام کردند. جز سال خوردگان کسی از دست آنان خلاصی نیافت، آنان کودک شیرخواره را در آغوش مادر سر بریدند و اموال مردم را غارت کردند و زنان را به اسارت در آوردند.

جبرّتی [31] مورخ حنفی می نویسد: فی اواخر سنة 1217 هـ. أغار الوهابيون علی الحجاز، فلما قاربوا الطائف خرج إليهم الشريف غالب فهزموه، فرجع إلى الطائف وأحرق داره وهرب إلى مكة، فحاربوا الطائف ثلاثة أيام حتى دخلوها عنوة، وقتلوا الرجال وأسروا النساء والأطفال، وهذا دأبهم فی من یحاربهم، وهدموا قبة ابن عباس فی الطائف [32]؛ در اواخر سال 1271، وهابیان به حجاز یورش بردند و هنگامی که نزدیک طایف شدند شریف غالب، حاکم طایف، برای مقابله با آنان به بیرون طایف رفت، ولی او را شکست دادند و او به داخل شهر بازگشت. خانه او را آتش زدند و او به سوی مکه فرار کرد و پس از آن به مدت سه روز با مردم طایف جنگیدند و مردان آنان را کشتند و زنان و کودکان را به اسارت گرفتند.

روش وهابیان همه جا این چنین بود و در طایف، قبر ابن عباس را (که محل زیارت عموم بود) ویران کردند.

جمیل صدقی زهاوی، از علمای اهل سنّت عراق در حمله وهابیان به طایف می نویسد:

از زشت ترین کارهای وهابیان در سال 1217، قتل عام مردم طایف است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند، کودک شیرخوار را در آغوش مادر سر بریدند، جمعی را که مشغول فراگرفتن قرآن بودند، کشتند و حتی گروهی را که در مسجد مشغول نماز بودند به قتل رساندند و کتابها را که در میان آنها تعدادی قرآن و نسخه‌هایی از صحیح بخاری و صحیح مسلم و دیگر کتاب‌های حدیثی و فقهی نیز بود، در کوچه و بازار افکنده و آنها را پایمال کردند [33]. وهابیان پس از قتل عام مردم طایف طی نامه‌ای، علمای مکه را به آیین خود دعوت کردند، آنان در کنار کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابیان پاسخ بگویند که ناگهان جمعی از ستم دیدگان طایف داخل مسجد الحرام شدند و آن چه بر آنان گذشته بود بیان داشتند، مردم سخت به وحشت افتادند، گویا که قیامت برپا شده است.

آن گاه علما و مفتیان مذاهب چهارگانه اهل سنّت از مکه مکرمه و دیگر بلاد اسلامی که برای ادای مناسک حج آمده بودند، به کفر وهابیان حکم کردند و بر امیر مکه واجب دانستند تا با آنان

به مقابله برخیزد و فتوا دادند که بر مسلمانان واجب است تا در این جهاد شرکت نمایند و در صورت کشته شدن شهید خواهند بود [34].

10. کشتار عمومی علمای اهل سنت:

درباردار سرتیپ ایوب صبری می‌نویسد: «عبد العزیز بن سعود که تحت تأثیر سخنان محمد بن عبد الوهاب قرار گرفته بود، در نخستین سخنرانی خود در حضور شیوخ قبایل گفت: ما باید همه شهرها و آبادی‌ها را به تصرف خود درآوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم...». تا آن جا که می‌گوید:

برای تحقق بخشیدن به این آرزو ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت سنیّه نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند، از روی زمین برداریم. در چاپ مصر این چنین آمده: «ها أنا ذا أمر حامية، فأستطيع الآن أن أفصح عما أضره في خلدی إن هدفي من حشد هذا الجيش هو أن أنطلق من دار الخلافة - وهي الدرعية ونجد - بجحفل أشوس لا يقهر، فأحتل جميع الديار والقفار وأعلم الناس الأحكام والشرائع، وأضم بغداد وجميع توابعها إليّ فتنعم في ظلّ العدل الذي نتصف به».

و به عبارت دیگر، مشرکانی که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد می‌کنند از دم شمشیر بگذرانیم به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را، زیرا تا این‌ها زنده‌اند هم‌کیشان ما روی خوشی نخواهند دید، از این ره‌گذر باید نخست کسانی را که به عنوان عالم خودنمایی می‌کنند ریشه‌کن نموده، سپس بغداد را تصرف کرد [35]. در جای دیگری می‌نویسد:

سعود بن عبد العزیز در سال 1218 به هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی‌دلیل به شهادت رساند و بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت و هر کس را که در اعتقادات مذهبی ثبات قدم نشان می‌داد به انواع شکنجه‌ها تهدید کرد و آن‌گاه منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند: ادخلوا في دين سعود، وتظّلوا بطلّه الممدود؛ هان ای مردمان! به دین سعود داخل شوید و در زیر سایه گسترده‌اش مأوا گزینید! [36].

11. قطع مناسبات تجاری با کشورهای غیر وهابی:

فاسیلیف مستشرق روسی می‌نویسد:

وقد بلغ تعصب الوهابيين إلى حدّ حملهم على قطع العلاقات التجارية مع غيرهم، وكانت التجارة إلى عام 1269 هـ مع الشام والعراق محرمة [37]؛ تعصب وهابیان به جایی رسید که تجار عربستانی را وادار به قطع مناسبات تجاری با کشورهای غیر وهابی کردند که تا سال 1269 تجارت با کشور سوریه و عراق از این جهت که وهابی نبودند، حرام بود.

این بشر تاریخ نگار وهابی می‌نویسد:

وكانوا إذا وجدوا تاجراً في طريق يحمل متاعاً إلى المشركين صادروا ماله [38]؛ وهابیان اگر مشاهده می‌کردند که بازرگانی، کالایی را به کشورهای مشرکین (یعنی غیر وهابی) حمل می‌کند، آن را مصادره می‌کردند.

12. کشتار حجاج بیت الله الحرام:

الف: کشتار حجاج یمن:

در سال 1341 وهابیان با حجاج یمنی که خلع سلاح بودند و هیچ‌گونه دفاعی به همراه نداشتند، رو به رو شدند. آنان ابتدا به حجاج امان دادند؛ ولی وقتی در بالای کوه قرار گرفتند و حجاج یمنی در پایین قرار داشتند، دهانه توپ‌ها را به سوی آنان گرفته و تن‌ها دو نفر جان سالم به در بردند که جریان کشتار وحشیانه را به آگاهی مردم رساندند [39].

ب: قتل عام حجاج مصری در منی:

در سال 1344 وهابیان برخی از اعمال حاجیان مصری در منی را حرام دانستند و عده‌ای از آنها را کشتند[40].

ج: کشتار حجاج ایرانی:

عمّال وهابی رژیم آل سعود در چهارم ذی الحجه 1407 ق (9 مرداد 1366 ش) هزاران نفر از حجاج بیت الله الحرام را به جرم سر دادن فریاد برائت از مشرکین در مکه به خاک و خون کشیدند و حتی آخوندهای درباری آنان، فریاد می‌زدند و می‌گفتند: «اقتل المجوس اقتل المشرکین»؛ مجوس و مشرکین را بکشید. یکی از شاهدان عینی این واقعه تلخ را این چنین نقل می‌کند:

با چشم خود دیدم که سعودی‌های کثیف، بی‌شرمانه و بی‌رحمانه با عصای معلولین با دو دست محکم به صورت زنها می‌کوبیدند و نقش بر زمین می‌کردند. ای کاش به زدن تنها قانع بودند. وقتی خانمی بر روی زمین می‌غلطید، نفر بعدی با هر وسیله‌ای که در دست داشت به مغز نیمه جان او می‌کوبید تا از دنیا برود[41].

د: حمله وهابیان افراطی به حجاج بحرینی:

در مهر ماه 1386 گروهی از وهابیان تندرو با کمین در کوچه‌های اطراف مسجدالحرام پس از مشاهده مینی بوس شیعیان بحرینی با خرده شیشه‌های تیز و برنده به سوی حجاج شیعه یورش بردند و اقدام به فحاشی و به زبان آوردن القابی چون شیعیان سگ صفت کافر و ده‌ها فحش دیگر کردند[42].

13. کشتار مردم بی دفاع اردن:

در سال 1343، جمعی از وهابی‌ها ناگهان به اردن یورش بردند و مردم بی‌اطلاع «ام العمد» و همسایه آنان را مورد هجوم قرار دادند، مردان و زنان بی‌گناه را کشتند و اموال آنان را غارت کردند. اما طولی نکشید که با رانده شدن برخی و اسارت عده‌ای دیگر، عقب نشینی کردند که البته اسیران وهابی به فرمان انگلیس آزاد شدند. در سال 1346 وهابیان دوباره با سپاهی متشکل از سی هزار نفر به اردن حمله کردند و قتل و غارت و خونریزی شدیدی به راه انداختند[43].

14. کشتار عزاداران امام موسی کاظم علیه‌السلام:

در 25 رجب 1426 مصادف با شهادت امام موسی کاظم علیه‌السلام وهابیون با پخش غذاهای مسموم در اطراف حرم آن امام علیه‌السلام و نیز انجام انفجارهای متعدد در کاظمین بین صفوف عزاداران امام موسی کاظم علیه‌السلام، باعث شهادت 1500 نفر از شیعیان عزادار شدند.

15. جنایات‌های طالبان وهابی در افغانستان:

در اواخر سال 1372 شمسی گروهی وهابی به نام طالبان در افغانستان وارد صحنه نبرد شدند که از سوی عربستان و آمریکا حمایت می‌شدند. در شهریور 1375 کابل را تصرف کردند و به کشتار مسلمانان شیعی پرداختند. در 17 مرداد 1377 زنان و مردان و کودکان را از پشت بام‌ها به رگبار بستند و اهالی شهر مزار شریف را قتل عام کردند؛ سپس با هجوم به بیمارستان‌ها، بیماران شیعه را روی تخت‌ها به شهادت رساندند.

در سنگچارک و بامیان و پروان و کاپیسا، شکم بانوان حامله شیعه را پاره می‌کردند و جنین آنان را بیرون کشیده و سر می‌بردند[44]. در عاشورای 1267 شیعیان قندهار در حسینیه‌ها سرگرم عزاداری بودند که ناگهان وهابیان جنایتکار با اسلحه هجوم آوردند و عده فراوانی از شیعیان بی‌دفاع را به فجیع‌ترین وضع به قتل رساندند[45].

16. وهابیت و انفجار در اهواز:

در جریان دستگیری عوامل بمب گذاری‌های پیاپی سال 1384 در اهواز، روشن شد که از مجموع 46 دستگیر شده، 44 نفر دارای عقاید وهابیت هستند. براساس اطلاعات موثق، این عده از سوی اسرائیل، آمریکا و انگلیس حمایت می‌شدند و از عوامل وهابیت در ایران بودند[46].

17. انفجار بزرگ در مسجد تاریخی براثا:

در عملیات انتحاری هجدهم فروردین 1385 در مسجد تاریخی براثای بغداد، بیش از 69 نفر کشته و 130 نفر زخمی شدند[47].

18. انفجار حرم عسکرین:

22 فوریه 2006 (84/12/3)، انفجار 215 کیلوگرم مواد منفجره منجر به آسیب کلی مرقد امام هادی و امام حسن عسکری علیهماالسلام شد.

13 ژوئن 1207، (1386/3/23)، انفجار مناره‌های عسکرین به دست وهابیان برگ دیگری از جنایت وهابیت تکفیری را رقم زد.

حدود ساعت 9 صبح بر اثر وقوع چندین انفجار مهیب، دو مناره حرم عسکرین منفجر و تخریب شد. در انفجار نخست گلدسته طلایی سمت چپ و در انفجار دوم گلدسته سمت راست این حرم منفجر گردید.

همچنین در این اقدام تروریستی، سقف سرداب غیبت حضرت ولی عصر(عج) نیز به کلی فرو ریخت[48].

[1]... : 95 1 31 13 [2].76 « . [3].34 .
 () () . [4].43 ! « . [5].43 . . .
 . [6].67 . [7].60 . [8]. . [9].20 . [10].56 . [11].126 . [12].52 .
 1 [13].121 3 [14].73 1 121 [15].1216 [16].162 [17]. [18].408 .
 1 [19].337 1 [20].325 1 [21].92 1 [22].325 1 [23].137 1 : 512 5
 [24].41 27 « [25]. « .59 : [26]. [27].60 .
 : [28].38 : . [29].47 81 1 7 2 324 187 55 158 1 : .
 [30].45 [31]. [32]. 1237 554 2 : [33].93 »
 ()
 : 30 [35].2 [34].22 « .1217
 . 55 [36]. 2003 .74 : « »
 [37].95 [38]. 105 [39]. 122 1 . [40]. salaf.blogfa.com salaf.blogfa.com
 [41]. [salaf.blogfa.com] 1366 16 [42]. . [43]. www.shia-news.com
 [45]. www.salaf.blogfa.com [44]. [www.salaf.blogfa.com] 1 : 1385 [46].346
 [47]. [www.aftabnews.ir] 1385 19 [48]. 1385 24 86/3/13 14 1428 28
 1386 23